



جایگاه وکیل دادگستری در فرایند دادرسی کیفری

میثم مهدوی شنقی^۱

چکیده

یکی از مهم ترین تضمینات دادرسی منصفانه بر اساس اسناد بین المللی و حقوق داخلی، حق دسترسی به وکیل و فراهم نمودن تسهیلات دسترسی به خدمات و معاضدت‌های مرتبط با آن است. در این میان، نقش وکیل در مراحل مختلف فرایند دادرسی کیفری دارای ابعاد مختلفی بوده و از اهمیت بسزایی برخوردار است و تضمین کننده حقوق دفاعی طرفین دادرسی کیفری، خصوصاً متهم است. اعمال هرگونه محدودیت در مسیر بهره مندی از این حق برای متهم در فرایند دادرسی کیفری موجب تضعیف حق دفاع و برخورداری از دادرسی عادلانه خواهد بود. گرچه در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ حق برخورداری از وکیل بویژه قبل از مرحله دادگاه چندان قابل توجه نبود، اما اشکال‌ها و خلأهای موجود در آن، سبب شد تا نقش و جایگاه وکلای دادگستری و حق برخورداری از وکیل در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مورد توجه بیشتری قرار گیرد که این مقاله به بررسی ابعاد مختلف این موضوع و به طور کلی نقش و جایگاه وکیل دادگستری در فرایند دادرسی کیفری، خواهد پرداخت.

کلید واژه: حق دسترسی به وکیل، قانون آیین دادرسی کیفری، حق دفاع، دادرسی

کیفری، حقوق متهم

مقدمه

نقش و جایگاه وکلای دادگستری از حیث رعایت حقوق متهم در مراحل دادرسی کیفری از اهمیت ویژه ای برخوردار است. هر چقدر این نقش در سیر دادرسی کیفری پررنگ تر باشد، به طور طبیعی حقوق و آزادی‌های افراد نیز از خطرات احتمالی، بیشتر مصون می‌ماند. همانطور که به درستی آمده حرفه وکیل دادگستری از مظاهر برجسته حکومت قانون در جامعه و رفتار او نمودار ماهیت شکل تضمیناتی است که برای حفظ حقوق افراد وجود دارد.^۱ حق برخورداری از وکیل، از مهم ترین شروط فرایند دادرسی عادلانه در محاکم داخلی و بین المللی نیز بشمار می‌آید. این حق لازمه و مقدمه اجرای مطمئن حق دیگری است که در اسناد حقوق بشری از آن به عنوان «حق دفاع» یاد می‌شود.^۲

۱۰۱

بنابراین از مهمترین ابزارهای نیل به دادرسی عادلانه را می‌توان حق بهره مندی از وکیل دانست که در بند (۱۳) از ماده ی ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی که به تصویب جمهوری اسلامی ایران نیز رسیده، به آن پرداخته شده است.^۳ در این بند آمده است: «هر کس متهم به ارتکاب جرمی شود، با تساوی کامل حق تضمین هایی را خواهد داشت که از آن جمله وقت و تسهیلات کافی برای دفاع از خود و ارتباط با وکیل منتخب خود است. همچنین متهم باید بتواند شخصاً یا بوسیله وکیل منتخب از خود دفاع کند و در صورتی که وکیل نداشته باشد، حق داشتن وکیل به او اطلاع داده می‌شود و در صورتی که مصالح دادگستری اقتضا نماید، از طرف دادگاه راساً برایش وکیل تعیین شود که در صورت عجز او از پرداخت هزینه، حق الوکاله ای برای او منظور نخواهد شد.»

در اصل سی و پنجم قانون اساسی ایران نیز این حق به رسمیت شناخته شده است. این اصل مقرر می‌کند که: «در همه دادگاهها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب

۱. صانعی، ۱۳۷۸، ص ۲۱

۲. محبی و میرزازاده، ۱۳۹۰، ص ۸۸

۳. مهدوی شنتقی و شیخ اسلامی، ۱۳۹۲، ص ۱۴۰



نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد.»

در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸، به جایگاه و نقش وکلای دادگستری در مراحل دادرسی چندان پرداخته نشده بود و در عمل نیز می‌توان گفت که وکلا، امکان حضور مؤثر از ناحیه متهم، خصوصاً در مرحله کشف جرم و تحقیقات مقدماتی و همچنین مرحله تعقیب و تحقیق (دادسرا) را نداشتند و نقش آنها از مرحله صدور حکم که امکان مطالعه پرونده در آن وجود داشت به طور جدی آغاز می‌شد. اما در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ اقدامات موثری در این خصوص صورت گرفت و جایگاه و نقش وکلای دادگستری بیش از پیش اهمیت پیدا کرده است.

این مقاله به بررسی نقش و جایگاه وکلای دادگستری در سه مرحله پیش از دادسرا، دادسرا و صدور حکم در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ خواهد پرداخت.

گفتار اول: مرحله پیش از دادسرا

مرحله پیش از دادسرا از نظر زمانی تا قبل از ورود مقام قضایی به فرایند دادرسی کیفری محسوب می‌شود. در این مرحله نقش ضابطین قضایی پررنگ بوده و دارای وظایف و تکالیفی خصوصاً در محدوده جرایم مشهود و هم چنین جرایم مشکوک هستند. همان طور که آمده «شرکت وکیل در تحقیقات مقدماتی به طور اعم و بازجویی‌های اولیه به طور اخص، رافع سوء استفاده‌های احتمالی مأمورین انتظامی از اختیارات قانونی در خصوص جمع آوری ادله غیر اصولی علیه متهم است.»^۱

در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸، از اختیارات وکلای دادگستری در این مرحله سخنی به میان نیامده است و در عمل نیز وکلای دادگستری در این مرحله بعضاً حتی به اندازه ملاقات با متهم نیز دارای اختیار نبودند، اما در قانون آیین دادرسی کیفری

۱. کشکولی و کشکولی، ۱۳۹۰، ص ۴۷

۱۳۹۲، اقدامات موثری در این زمینه صورت گرفته و جایگاه و نقش وکلای دادگستری از این جهت‌ها افزایش یافته است.

در قانون اخیر الذکر نقش وکیل با شروع تحت نظر قرار گرفتن متهم آغاز می‌شود. یعنی از زمانی که متهم بدون صدور قرار تأمین، در جرایم مشهود حداکثر تا ۲۴ ساعت و یا با دستور قضایی تحت نظر قرار دارد. در ماده ۴۸ این قانون آمده است: «با شروع تحت نظر قرار گرفتن، متهم می‌تواند تقاضای حضور وکیل نماید...». اما سؤالی که در این میان مطرح می‌شود، این است که آیا ضابطین قضایی با شروع تحت نظر قرار دادن متهم باید او را از داشتن چنین حقی (حق برخورداری از حضور وکیل) آگاه سازند یا خیر؟ پاسخ این سؤال به موجب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مثبت است.

۱۰۳

به موجب ماده ۵۲ این قانون، ضابطان با تحت نظر قرار گرفتن متهم مکلف اند حقوق مندرج در قانون آیین دادرسی کیفری در مورد شخص تحت نظر را به متهم تفهیم کنند و به صورت مکتوب در اختیار وی قرار دهند و رسید دریافت و ضمیمه پرونده کنند. به طبع از جمله حقوق متهم در قانون در مورد شخص تحت نظر، حق دسترسی به وکیل دادگستری و ملاقات با او است که در قانون مصوب ۱۳۹۲ پیش بینی شده است. همچنین در ماده ۵ این قانون آمده است که: «متهم باید در اسرع وقت از موضوع و ادله اتهام انتسابی آگاه و از حق دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی مذکور در این قانون بهره مند شود.» تصریح این ماده به لزوم آگاه ساختن متهم از حق دسترسی به وکیل دلالت بر تأیید این موضوع دارد که ضابطین نیز می‌بایست در اولین فرصت به متهم علاوه بر اعلام موضوع اتهام و ادله آن، حق دسترسی به وکیل را نیز اعلام نمایند.

وکلای دادگستری در این مرحله باید با رعایت و توجه به محرمانه بودن تحقیقات و مذاکرات، با شخص تحت نظر ملاقات نمایند.^۱ منظور از رعایت و توجه به محرمانه بودن تحقیقات و مذاکرات در ملاقات با متهم این است که وکیل از این مذاکرات و شرایط تحقیقات تنها می‌تواند در جریان تحقیقات و در راستای دفاع از موکل خویش بهره ببرد،

اما حق پخش این اطلاعات بدست آمده را در خارج از جریان پرونده نداشته و خصوصاً حق مصاحبه در این خصوص با رسانه‌ها را ندارد.

همچنین وکیل می‌تواند در پایان ملاقات (که نباید بیش از یک ساعت باشد)، ملاحظات کتبی خود را برای درج در پرونده ارائه دهد.^۱ به عنوان مثال، بر اساس ماده ۶۰ این قانون، در بازجویی‌ها اجبار یا اکراه متهم، استفاده از کلمات موهن، طرح سؤالات تلقینی یا اغفال‌کننده و سؤالات خارج از موضوع اتهام ممنوع است و اظهارات متهم در پاسخ به چنین سؤالاتی و همچنین اظهاراتی که ناشی از اجبار یا اکراه است، معتبر نیست.

بنابراین چنانچه وکیل بعد از ملاقات با موکل خود که تحت نظر قرار دارد، متوجه این موضوع شود که مفاد ماده ۶۰ قانون در مورد موکل او رعایت نمی‌گردد می‌تواند ملاحظات خود را در این خصوص که عموماً بر اساس اظهارات موکل بدست آمده را به صورت مکتوب تنظیم و در پرونده درج نماید.

گفتنی است که مذاکرات وکیل با متهم به عنوان موکل خود باید محرمانه تلقی شود و ضابطان نمی‌توانند آن را شنود کنند و به آن در سیر دادرسی کیفری استناد نمایند، چرا که در قانون آیین دادرسی کیفری چنین حقی برای ضابطین شناخته نشده و چنانچه ضابطین نسبت به شنود مکالمات وکیل و متهم اقدام نمایند علاوه بر استراق سمع غیر مجاز، گزارشی را که با استناد به این شنود تهیه می‌نمایند از مصادیق گزارش نامعتبر موضوع ماده ۳۶^۲ همین قانون، محسوب خواهد شد.

همچنین، با توجه به وظیفه حفظ اسرار موکل توسط وکیل، ضابطین نمی‌توانند از وکلای دادگستری بعد از ملاقات با موکل تقاضای افشای اطلاعات بدست آمده از موکل او را بنمایند و در صورت افشای اسرار و اطلاعات موکل توسط وکیل، موضوع از مصادیق

۱. ماده ۴۸ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲

۲. ماده ۳۶ «گزارش ضابطان در صورتی معتبر است که بر خلاف اوضاع و احوال و قرائن مسلم قضیه نباشد و بر اساس ضوابط و مقررات قانونی تهیه و تنظیم شود.»

بزه ماده ۶۴۸ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ تلقی خواهد شد.^۱ علاوه بر این به موجب ماده ۳۰ قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵ «وکیل باید اسراری که به واسطه وکالت از طرف موکل مطلع شده و همچنین اسرار مربوطه به حیثیات و شرافت و اعتبارات موکل را حفظ نماید.»

گفتار دوم: مرحله دادرسی

این مرحله از زمانی آغاز می‌شود که پرونده در دادرسی به شعبه‌های بازپرسی یا دادیاری ارجاع می‌گردد و مقام تحقیق بعد از احراز صلاحیت خود شروع به امر تحقیق می‌نماید. کلیه اقدامات ضابطین قضایی در این مرحله نیز پیرو صدور دستور مقام قضایی صورت می‌گیرد و با صدور قرار نهایی از سوی مقام تحقیق و کیفرخواست از سوی دادستان (مقام تعقیب)، این مرحله خاتمه می‌یابد.

۱۰۵

در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸، وکلای دادگستری در این مرحله دارای اختیاراتی محدودی هستند که به حضور در کنار متهم و در نهایت ذکر مطالبی در دفاع از موکل، خطاب به مقام تحقیق، در خاتمه تحقیقات ختم می‌شود که این حضور کمرنگ نیز می‌تواند توسط مقام تحقیق بنا بر مصالحی ممنوع اعلام گردد. در ماده ۱۲۸ این قانون آمده بود: «متهم می‌تواند یک نفر وکیل همراه خود داشته باشد. وکیل متهم می‌تواند بدون مداخله در امر تحقیق پس از خاتمه تحقیقات مطالبی را که برای کشف حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قوانین لازم بداند به قاضی اعلام نماید. اظهارات وکیل در صورت جلسه منعکس می‌شود.»

تبصره - در مواردی که موضوع جنبه محرمانه دارد یا حضور غیر متهم به تشخیص قاضی موجب فساد گردد و همچنین در خصوص جرایم علیه امنیت کشور، حضور وکیل در مرحله تحقیق با اجازه دادگاه خواهد بود.»

۱. ماده ۶۴۸ قانون تعزیرات «اطباء و ماماها و دارو فروشان و کلیه کسانی که به مناسبت شغل یا حرفه خود محرم اسرار می‌شوند هر گاه از غیر از موارد قانونی، اسرار مردم را افشا کنند به چهل پنج روز تا شش ماه حبس و یا بیست میلیون تا شصت میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شوند.»

همان طور که ملاحظه می‌گردد در این قانون وکیل متهم در این مرحله حق مداخله در امر تحقیق را نداشته و تنها بعد از اعلام ختم تحقیقات از سوی مقام تحقیق می‌توانست مطالب خود را در راستای کشف حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قوانین به مقام تحقیق اعلام نماید و در صورتی که همین حضور حداقلی وکیل نیز از نظر دادگاه مجاز تلقی نشود، وکیل حق حضور در این مرحله را نیز نداشت.^۱

اما در قانون مصوب ۱۳۹۲ وضعیت به گونه دیگری است و وکلا از اختیارات بیشتری در این مرحله برخوردارند. به موجب ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، متهم می‌تواند در مرحله تحقیقات مقدماتی، یک نفر وکیل دادگستری^۲ همراه خود داشته باشد. علاوه بر وجود این حق برای متهم، در این ماده پیش بینی شده است که این حق باید پیش از شروع تحقیق توسط بازپرس به متهم تفهیم شود. قانونگذار در این ماده صرفاً به تفهیم این حق به متهم نیز اکتفا ننموده و برای اطمینان خاطر از تفهیم این حق، ابلاغ آن به متهم را نیز ضروری دانسته است. البته چنانچه متهم به وسیله احضاریه احضار شود، این حق باید در برگه احضاریه قید و به او ابلاغ گردد.

موضوع قابل توجه در خصوص تفهیم حق داشتن وکیل به متهم، ضمانت اجرایی است که قانونگذار برای آن پیش بینی نموده است. قانون گذار در تبصره ۱ ماده ۱۹۰ عدم تفهیم

۱. البته در این زمینه برخی معتقد بودند که اطلاق بند سوم از ماده واحده قانون حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳ که مقرر داشته است: «محاکم و دادرها مکلفند حق دفاع متهمان و مشتکی عنهم را رعایت کرده و فرصت استفاده از وکیل و کارشناس را برای آنان فراهم آورند»، می‌تواند این استنباط را ایجاد کند که محدودیت‌های مذکور در تبصره ماده ۱۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ نسخ ضمنی شده است. خالقی، ۱۳۹۲، ص ۱۶۴

۲. همانطور که به درستی بیان شده کلمات یک نفر قبل از وکیل دادگستری در مقام بیان اصل این حق می‌باشد و نه حصر عدد وکلای متهم و تعدد وکلای متهم در ماده ۳۴۶ توسط قانونگذار پذیرفته شده است. ر.ک به: خالقی،

این حق به متهم و یا سلب حق همراه داشتن وکیل از او را موجب مجازات انتظامی درجه هشت و سه برای قاضی متخلف دانسته است.^۱

علاوه بر این قانون گذار در تبصره ۲ ماده ۱۹۰ قانون مصوب ۱۳۹۲، حضور وکیل برای متهم را در جرائمی که مجازات آن سلب حیات یا حبس ابد است، الزامی نموده و مقام تحقیق را در صورتی که متهم اقدام به معرفی وکیل برای خود ننماید، مکلف به تعیین وکیل تسخیری برای متهم کرده است که این امر از جمله نوآوری‌های این قانون نسبت به قانون ۱۳۷۸ نیز محسوب می‌شود، چرا که در قانون ۱۳۷۸ الزامی برای تعیین وکیل تسخیری در مرحله دادرسی در هیچ پرونده‌ای وجود نداشت. هر چند که قانونگذار ضمانت اجرای تخطی بازپرس از تعیین وکیل تسخیری برای متهم در این جرائم را به صراحت بیان ننموده است، اما به نظر می‌رسد که این امر نیز مشمول ضمانت اجرای کلی مذکور در تبصره ۱ ماده ۱۹۰ می‌باشد. در حقیقت تخطی مقام تحقیق از تعیین وکیل تسخیری در این موارد به نوعی مصداق سلب حق همراه داشتن وکیل مذکور در تبصره ۱ این ماده است.

وکیل متهم در این مرحله بعد از اعلام وکالت در پرونده، می‌تواند از نوع اتهام و دلایل آن کسب اطلاع کند و در جریان تحقیقات، مطالبی را که برای کشف حقیقت و در دفاع از متهم لازم تشخیص می‌دهد، اظهار کند و این اظهارات باید در صورت مجلس نوشته شود.^۲ همانطور که ملاحظه می‌شود در این قانون بر خلاف قانون ۱۳۷۸ وکیل در جریان

۱. تا پیش از اصلاحات نهایی قانون آیین دادرسی کیفری، سلب حق همراه داشتن وکیل و یا عدم تفهیم این حق به متهم موجب بی اعتباری تحقیقات می‌شد. بنابراین اگر این ضمانت اجرا باقی می‌ماند چنانچه بازپرس این حق را به متهم تفهیم نمی‌کرد و یا به طور مثال مانع از حضور وکیل متهم در زمان تحقیقات می‌شد، حتی اگر تحقیقات منتهی به صدور قرار مجرمیت نیز می‌گردید از درجه اعتبار ساقط بود. پیش بینی چنین ضمانت اجرایی برای تفهیم این حق به متهم می‌توانست رعایت آن را توسط مقام تحقیق به صورت حداکثری تضمین نماید و در حقیقت قانونگذار با در نظر گرفتن این ضمانت اجرا می‌توانست اقدام خود در راستای حفظ حقوق متهم را تکمیل نماید. اهمیت پیش بینی چنین ضمانت اجرایی تا اندازه‌ای است که برخی مهم ترین چالش نهاد وکالت در ایران را عدم پیش بینی ضمانت‌های مؤثر، در صورت نقض قواعد مربوط به حق دفاعی متهم و حق بهره مندی متهم از وکیل می‌دانند. مقامی، ۱۳۹۰، ۱۹۸.

۲. ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲



بازپرسی به طور کامل با رعایت قواعد مربوط به نظم جلسه، حق مداخله دارد و می‌تواند دفاعیات خود را از ناحیه موکل خود ابراز دارد. وکیل، در این مرحله اگر پرسش‌های مقام تحقیق را نسبت به موکل خود به عنوان سؤالات تلقینی تلقی کرد یا هر گونه تخلف از قانون را احراز کرد (به عنوان مثال اتهام به موکل به طور صریح تفهیم نشود یا حق سکوت متهم موضوع ماده ۱۹۷ قانون مصوب ۱۳۹۲ نادیده انگاشته شود) می‌تواند موارد خلاف را به بازپرس تذکر دهد. (تبصره ماده ۱۹۵) این در حالی است که بر اساس قانون ۱۳۷۸ وکیل در جریان تحقیقات حق مداخله و ابراز دفاعیات خود را نداشته و تنها در پایان تحقیقات می‌تواند مطالب را در دفاع از موکل خود ابراز دارد.

گفتنی است که برخی منظور ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ از همراهی وکیل را همراهی فیزیکی تلقی نکرده و از این رو همراهی وکیل و موکلش در این مرحله را الزامی ندانسته‌اند. به همین جهت قائل به این امر هستند که اگر متهم در این مرحله شخصاً حضور نیافته و وکیل خود را معرفی نماید، بازپرس می‌تواند اتهام موکل را به وکیل تفهیم کند و چنانچه حضور شخص متهم را برای ادامه تحقیقات لازم بداند، می‌تواند با ابلاغ وقت حضور به وکیل بر ضرورت حضور متهم اصرار ورزد.^۱

هر چند که تفسیر فوق از ماده ۱۹۰ منطبق با رعایت حقوق دفاعی به صورت حداکثری برای متهم است، اما به نظر می‌رسد نمی‌توان امکان تفهیم اتهام به وکیل، بدون حضور متهم را از مفاد ماده مذکور استنباط کرد چرا که ظاهر ماده و تأکید بر اینکه حق داشتن وکیل باید به متهم تفهیم شود، به نظر دلالت بر آن دارد که منظور از همراهی در ماده فوق حداقل در مرحله تفهیم اتهام، همان همراهی فیزیکی است. مفاد ماده ۱۹۵ ق.آ.د.ک که دلالت بر تفهیم اتهام به شخص متهم داشته و ماده ۲۱۳ ق.آ.د.ک که تفهیم اتهام به کسی غیر از متهم را ممنوع می‌داند نیز تأکیدی بر این مدعا است. هر چند که در ادامه روند تحقیقات بعد از تفهیم اتهام و در جایی که مقام تحقیق متهم را احضار نکرده، وکیل بدون

حضور متهم نیز می‌تواند جهت دفاع از موکل خود نزد مقام تحقیق حاضر شده و مطالب خود را بیان نماید.

نکته قابل تأملی که در خصوص حق وکیل در ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ وجود دارد، محدودیت وکلای دادگستری برای قبول وکالت برخی از متهمین در دادرسی و دادگاههاست. به موجب ماده ۶۲۵ ق.آ.د.ک در جرایم علیه امنیت کشور یا در مواردی که پرونده مشتمل بر اسناد و اطلاعات سری و به کلی سری است و رسیدگی به آنها در صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح (دادسرا و دادگاههای نظامی) قرار دارد، وکلای انتخابی طرفین دعوی باید از میان وکلای رسمی دادگستری که مورد تأیید سازمان قضایی نیروهای مسلح باشند انتخاب نمایند. بنابراین تمامی وکلای دادگستری حق وکالت از طرفین دعوی (اعم از متهم یا شاکی) را در این موارد ندارند و تنها وکلای مورد تأیید سازمان قضایی نیروهای مسلح حق وکالت در این جرایم را دارند.

اختیارات وکیل در مرحله دادرسی دارای محدودیت‌هایی است که در ادامه به آن اشاره می‌شود.

قانونگذار در ماده ۱۹۱ مواردی را پیش‌بینی کرده است که به موجب آن حق دسترسی به تمام یا برخی از اوراق، اسناد یا مدارک پرونده را با صدور قرار عدم دسترسی برای متهم یا وکیل او محدود نموده است. البته این قرار ظرف سه روز از تاریخ ابلاغ، قابل اعتراض در دادگاه صالح (دادگاهی که صالح به رسیدگی به اصل اتهام می‌باشد «ماده ۲۷۱ ق.آ.د.ک») است. مواردی که امکان ایجاد این محدودیت را برای متهم یا وکیل او ایجاد می‌نماید به شرح زیر است:

۱- مواردی که با کشف حقیقت منافی دانسته شود.

هر چند که در قانون مصوب ۱۳۹۲ امکان مطالعه پرونده برای متهم یا وکیل او پیش‌بینی شده است و در ظاهر از وجه تفتیشی این مرحله کاسته شده است، اما قانونگذار با پیش‌بینی این چنین استثنای وسیعی و اعطای اختیار تشخیص آن برای مقام تحقیق، در حقیقت به



قانون گذشته عدول نموده که در آن مطالعه پرونده در مرحله دادرسی برای متهم و وکیل او ممنوع بود. چرا در هر مورد که مقام تحقیق تشخیص دهد که مطالعه یا دسترسی به تمام یا برخی از اوراق، اسناد یا مدارک پرونده با ضرورت کشف حقیقت منافات دارد، می تواند قرار عدم دسترسی صادر نماید که تقریباً می توان اذعان داشت که مقام تحقیق در تمام موارد می تواند به استناد این بند مانع از مطالعه و دسترسی متهم و وکیل او به اوراق و اسناد و مدارک دیگر پرونده گردد.

البته قانونگذار به موجب تبصره ۱ ماده ۱۰۰ محدودیت دسترسی به تمام یا برخی از اوراق پرونده را در مواردی که مقام تحقیق مطالعه یا دسترسی شاکی به پرونده را منافی با ضرورت کشف حقیقت بداند، برای شاکی نیز پیش بینی نموده که به موجب صدور قرار رد درخواست مطالعه و دسترسی به پرونده صورت می گیرد و قابل اعتراض در دادگاه صالح به رسیدگی به اصل اتهام می باشد (ماده ۲۷۱ ق.آ.د.ک) که به طور طبع این محدودیت شامل وکیل شاکی نیز می گردد.

۲- در جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور

جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور، دیگر موردی است که قانونگذار در آن برای مقام تحقیق جایز دانسته تا تنها به صرف اینکه موضوع اتهام شامل این عنوان باشد قرار عدم دسترسی متهم و وکیل او را به پرونده صادر نماید. مصادیق جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور را در قانون آیین دادرسی کیفری، مواد ۴۹۸ تا ۵۱۲ قانون تعزیرات باید تلقی کرد که در آن قانون نیز ذیل عنوان جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور آمده است و توسعه آن به مصادیقی فراتر از مواد مذکور بر خلاف اصل تفسیر مضیق و به نفع متهم می باشد.

۳- در جرائم منافی عفت

به موجب تبصره ۳ ماده ۱۹۰ چنانچه موضوع اتهام از جرائم منافی عفت باشد نیز مفاد ماده ۱۹۱ جاری است. یعنی مقام تحقیق به صرف اینکه موضوع اتهام از جرائم مربوط به

منافی عفت باشد می تواند قرار عدم دسترسی به پرونده را صادر نماید. نکته قابل توجه در اینجا این است که هر چند به نظر می رسد قانونگذار با تکیه بر دیدگاه بزه پوشی و جلوگیری از اشاعه فحشا جرائم مربوط به منافی عفت را نیز جزء مواردی آورده که مقام تحقیق اختیار صدور قرار عدم دسترسی به پرونده را دارد اما با این وجود حق دسترسی، به پرونده از حقوقی است که در راستای حق دفاع متهم ایجاد شده و با توجه به اهمیت این حق به نظر می رسد سلب این حق حتی اگر به منظور بزه پوشی نیز باشد قابل توجیه نیست، چرا که غیر از متهم و شاکی و وکلای آنها کسی امکان دسترسی به پرونده را ندارد و از طرفی دیگر افشای مفاد و اطلاعات پرونده در این موارد به ضرر هم شاکی و هم متهم خواهد بود و منطقی نیست به تنها به این جهت از حقوق دفاعی متهم نادیده انگاشته شود.

۱۱۱

البته قانون گذار ذکر دلیل در صدور قرار عدم دسترسی به پرونده، در غیر از موردی که موضوع از جرائم مربوط به منافی عفت باشد را برای مقام تحقیق ضروری دانسته اما با این وجود روشن نیست که منظور از دلیل همین مواردی که در ماده ۱۹۱ پیش بینی شده (منافی با کشف حقیقت و جرائم علیه امنیت) می باشد و یا اینکه دلیل چیزی فراتر از این موارد است. هر چند که حتی اگر قائل به این موضوع باشیم که دلیل در این موارد غیر از موارد ذکر شده در ماده ۱۹۱ می باشد، باز هم با توجه به آنکه محدوده این دلایل مشخص نیست و تشخیص آن به طور کامل به مقام تحقیق سپرده شده، همچنان ایراد مذکور پابرجا می ماند.

گفتار سوم: مرحله صدور حکم

مرحله صدور حکم از نظر زمانی بعد از صدور کیفرخواست توسط دادسرا و ارجاع پرونده به مرجع بدوی قرار دارد که ختم آن یا در همان مرحله بدوی و با صدور حکم توسط آن مرجع و انقضای مهلت تجدیدنظرخواهی اتفاق می افتد و یا به واسطه حق تجدیدنظرخواهی و استفاده آن از ناحیه طرفین دعوی در مرحله تجدیدنظر و با صدور حکم قطعی در آن مرجع تحقق می یابد. در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ حضور وکیل



در این مرحله پررنگ تر از سایر مراحل بود و مواد ۱۸۵ تا ۱۸۷ به آن اختصاص داده شده بود. در ماده ۱۸۵ به حق داشتن وکیل اشاره شده و در ماده ۱۸۶ تعیین وکیل به تقاضای متهم از سوی دادگاه، در صورت نداشتن توانایی انتخاب وکیل از سوی متهم پیش بینی شده بود. همچنین در تبصره این ماده در جرایمی که مجازات آن قصاص نفس، اعدام، رجم و حبس ابد بود تعیین وکیل تسخیری در صورت عدم معرفی وکیل از ناحیه متهم، توسط دادگاه اجباری تلقی شده بود.

علاوه بر این امکان مطالعه پرونده در این مرحله توسط وکیل، به واسطه پیش بینی این حق برای متهم، امکان دفاع مطلوب تری را با توجه به اشراف بیشتر وکیل به پرونده در این مرحله فراهم می ساخت. (ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی ۱۳۷۸) اما همچنان متهم و وکیل او حق اخذ رونوشت از مدارک پرونده را نداشتند.

در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ نیز در ماده ۳۴۶ به حق داشتن وکیل در مرحله دادگاه اشاره شده و آمده است: « در تمام امور کیفری، طرفین می توانند وکیل یا وکلای مدافع خود را معرفی کنند...»

بر خلاف قانون سابق که سقف تعداد وکلای را معین نکرده بود، در تبصره ماده ۳۴۶ ق.آ.د. ک تعداد وکیل برای هر یک از طرفین در غیر از دادگاه کیفری یک، حداکثر دو وکیل معین شده است. اما قانونگذار در ماده ۳۸۵ این قانون امکان حضور حداکثر تا سه وکیل را از سوی هر یک طرفین در دادگاه کیفری یک پیش بینی نموده است.

قانون گذار در موارد تعدد وکیل، حضور هر یک از آنها را برای تشکیل جلسه کافی دانسته است.^۱ اما چنانچه وکلای انتخابی به صورت مستقلاً و کالت نداشته باشند و حق

مداخله به صورت انفرادی را موکل به آنها نداده باشد، حضور هر یک از آنها به تنهایی کافی نیست، چرا که اراده موکل در مداخله و حضور آنها به صورت انفرادی نبوده است.^۱ در ماده ۳۴۷ این قانون نیز قانون گذار همچون سابق تعیین وکیل معاضدتی را برای متهم پیش بینی نموده است. البته متهم تنها تا پایان اولین جلسه رسیدگی حق درخواست تعیین وکیل معاضدتی را برای خود دارد که این مهلت در قانون سابق وجود نداشت. دادگاه بعد از وصول درخواست متهم و بعد از آنکه عدم تمکن مالی او را احراز نمود باید از بین وکلای حوزه قضائی خود و در صورت عدم امکان از نزدیکترین حوزه قضائی، برای متهم وکیل تعیین می نماید. حق الوکاله وکیل نیز در صورت درخواست او از محل اعتبارات قوه قضائیه و تا سقف میزان تعرفه پرداخت خواهد شد.

قانون گذار همچنین در تبصره ماده ۳۴۷ تعیین وکیل معاضدتی را برای بزه دیده نیز پیش بینی نموده که این اقدام از نوآوری های این قانون نسبت به قانون ۱۳۷۸ تلقی می گردد. قانونگذار در این تبصره بیان می دارد: «هرگاه دادگاه حضور وکیل را برای شخص بزه دیده فاقد تمکن مالی ضروری بداند، طبق مفاد این ماده اقدام می نماید.» پیش بینی امکان تعیین وکیل معاضدتی از سوی دادگاه برای بزه دیده در مواردی که حضور وکیل توسط دادگاه ضروری تلقی می شود، همسو با پیش بینی حق داشتن وکیل در اسناد بین المللی برای تمامی طرفین دعوی، از جمله سند اصول اساسی مربوط به نقش وکلا (۱۹۹۰) و با توجه به رویکرد بزه دیده مدار نظام قضائی صورت گرفته است. در ماده ۱ سند اصول اساسی مربوط به نقش وکلا آمده: «کلیه افراد حق دارند به منظور حمایت و اثبات حق خود و دفاع از آن در کلیه مراحل رسیدگی جزائی، از مساعدت و کیلی که خود انتخاب کرده اند بهره مند گردند.»^۲

۱. به موجب ماده ۶۶۹ قانون مدنی: هرگاه برای انجام امری دو یا چند نفر وکیل معین شده باشد هیچ یک از آنها نمی تواند بدون دیگری یا دیگران دخالت در آن امر بنماید مگر اینکه هر یک مستقلاً وکالت داشته باشد، در این صورت هر کدام می تواند به تنهایی آن امر را بجا آورد.

۲. به نقل از: محبی، میرزاده، ۱۳۹۰، ص ۹۰.

قانون گذار همچنین در ماده ۳۴۸ ق.آ.د.ک حضور و کیل در جرائم موضوع بندهای الف (جرائم موجب مجازات سلب حیات)، ب (جرائم موجب حبس ابد) و پ (جرائم موجب مجازات قطع عضو و جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی با میزان ثلث دیه کامل یا بیش از آن) و ت (جرائم موجب مجازات تعزیری درجه چهار و بالاتر) ماده ۳۰۲ این قانون را که رسیدگی به آنها در صلاحیت دادگاه کیفری یک است، با توجه به مجازات‌های سنگین این جرائم، از ناحیه متهم الزامی دانسته و تشکیل جلسه بدون حضور وکیل را امکان پذیر نمی‌داند و چنانچه متهم خود وکیل معرفی نکند و یا وکیل او بدون عذر موجه در جلسه دادگاه حاضر نشود، تعیین وکیل تسخیری را برای متهم ضروری می‌داند. قانونگذار هم چنین پیش بینی نموده چنانچه وکیل تسخیری بدون عذر موجه در جلسه رسیدگی حاضر نشود، دادگاه می‌تواند راساً او را عزل نموده و وکیل تسخیری دیگری را برای متهم تعیین نماید.

در این موارد هر گاه متهم وکیل معرفی نکرده باشد، مدیر دفتر دادگاه ظرف پنج روز از تاریخ ارجاع پرونده به دادگاه به متهم اخطار می‌نماید که وکیل خود را ظرف مهلت ده روز پس از ابلاغ به دادگاه معرفی نماید و چنانچه متهم ظرف مهلت مقرر وکیل خود را معرفی ننماید، پرونده را تحت نظر رئیس دادگاه می‌رساند تا نسبت به تعیین وکیل تسخیری برای متهم اقدام نماید.

همچنین به موجب ماده ۴۱۵ قانون ۱۳۹۲ در دادسرا و دادگاه اطفال نیز حضور وکیل برای متهم طفل یا نوجوان در جرائمی که رسیدگی به آنها در صلاحیت دادگاه کیفری یک یا جرائمی که مستلزم پرداخت دیه یا ازش بیش از خمس دیه کامل است و در جرائم تعزیری درجه شش و بالاتر، الزامی می‌باشد با این تفاوت که باید ابتدا به ولی یا سرپرست قانونی متهم ابلاغ نماید که برای او وکیل تعیین نمایند و در صورت عدم تعیین وکیل از ناحیه وی یا سرپرست و یا عدم حضور وکیل بدون عذر موجه، قاضی راساً اقدام به تعیین وکیل برای متهم می‌نماید.

هر چند در تبصره ۳ ماده ۳۴۸ قانونگذار امکان تغییر وکیل تسخیری از سوی متهم را تنها برای یک بار پذیرفته است، اما با این وجود غیر از موارد رد وکیل تسخیری، عملاً وکیل را بعد از اعلام و کالت از ناحیه متهم، ملزم به حضور و دفاع از موکل نموده و امکان استعفا در پرونده و جایگزینی وکیل دیگر برای متهم را پیش بینی نکرده است و حتی عدم حضور وکیل، بدون عذر موجه در دادگاه را نیز مستلزم پیگرد انتظامی او دانسته است.^۱ این در حالی است که بهتر بود قانونگذار مواردی را پیش بینی می کرد که تحت شرایطی امکان استعفا برای وکیل بدون اینکه تخلف انتظامی برای او محسوب شود و حقوق دفاعی متهم نیز نادیده گرفته شود، وجود داشت و وکیل نیز مجبور به ادامه حضور در روند رسیدگی تحت هر شرایطی نمی شد.

از دیگر نکات قابل توجه در این قانون نسبت به قانون سابق این است که قانونگذار علاوه بر مطالعه پرونده، امکان اخذ فتوایی و یا تصویر از مدارک و اوراق پرونده را علاوه بر شاکی برای متهم و وکیل او نیز پیش بینی کرده است که این حق امکان دفاع مؤثرتری را برای وکیل فراهم می کند.^۲ البته قانونگذار در تبصره ماده ۳۵۱ دادن تصویر از اسناد طبقه بندی شده^۳ و اسناد حاوی مطالب مربوط به تحقیقات جرائم منافی عفت و جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی را ممنوع کرده است.

۱. تبصره ۱ ماده ۳۴۸ ق.آ.د.ک.

۲. ماده ۳۵۱ ق.آ.د.ک.

۳. طبق ماده (۱) آئین نامه طرز نگاهداری اسناد سری و محرمانه دولتی شماره ۱۷۰-۱۴ - ۱۳۵۴/۱۰/۲ وزارت دادگستری، «اسناد سری و محرمانه دولتی به اعتبار مقدار مراقبتی که باید در حفظ آن‌ها بشود به چهار طبقه تقسیم می شوند: طبقه اول - اسنادی است که افشای غیر مجاز آن‌ها به اساس حکومت و مبانی دولت ضرر جبران ناپذیری برساند. طبقه دوم - اسنادی است که افشای غیر مجاز آن‌ها منافع عمومی و امنیت ملی را دچار مخاطره کند. طبقه سوم - اسنادی است که افشای غیر مجاز آن‌ها نظام امور سازمان‌ها را مختل و اجرای وظائف اساسی آن‌ها را ناممکن کند. طبقه چهارم - اسنادی است که افشای غیر مجاز آن‌ها موجب اختلال امور داخلی یک سازمان شود یا با مصالح اداری آن سازمان مغایر باشد. (این طبقات به ترتیب به ۱- بکلی سری ۲- سری ۳- خیلی محرمانه ۴- محرمانه تقسیم می شوند)



محدودیت موجود در خصوص اسناد محرمانه و اسناد مربوط به جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی (مواد ۴۹۸ تا ۵۱۲ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵) به جهت امور امنیتی و محتوی آنها روشن است. اما محدودیت موجود در خصوص اسناد حاوی مطالب مربوط به تحقیقات جرائم منافی عفت به نظر می‌رسد که در راستای بزه پوشی و به جهت جلوگیری از اشاعه فحشا صورت گرفته است.

با وجود اینکه رسیدگی دادگاه کیفری قائم به شخص متهم است و حضور وکیل علی‌الاصول بر خلاف دعاوی حقوقی به تنهایی برای ادامه روند رسیدگی کافی نیست، اما قانون‌گذار در ماده ۳۵۰ قانون مصوب ۱۳۹۲ امکان رسیدگی دادگاه بدون حضور متهم را در مواردی که متهم وکیل معرفی نموده است، در برخی از جرائم پیش‌بینی نموده است. البته مشروط به آنکه دادگاه حضور شخص متهم را در جلسه دادگاه برای ادامه روند رسیدگی لازم نداند. اما قانون‌گذار جرائم موضوع بندهای الف (جرائم موجب مجازات سلب حیات)، ب (جرائم موجب حبس ابد) و پ (جرائم موجب مجازات قطع عضو و جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی با میزان ثلث دیه کامل یا بیش از آن) و ت (جرائم موجب مجازات تعزیری درجه چهار و بالاتر) ماده ۳۰۲ را از این امر مستثنی کرده و حضور شخص متهم را در این جرائم ضروری می‌داند.

البته حضور شخص متهم در دادگاه تجدیدنظر در هر حال الزامی نیست و متهم می‌تواند وکیل معرفی کند و عدم حضور متهم یا عدم معرفی وکیل مانع از رسیدگی در دادگاه تجدیدنظر نیست.^۱

نتیجه‌گیری

با بررسی نقش و جایگاه وکیل در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و تضمینات قانونی موجود در آن برای برخورداری طرفین دادرسی کیفری بویژه متهم از وکیل، در مقایسه با قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸، مشخص می‌گردد که با توجه به اهمیت غیر

۱. بند ۴۵۰ ق.آ.د.ک

قابل انکار نقش وکیل در دادرسی‌های کیفری، قانونگذار برای رفع خلأهای جدی موجود در قانون سابق تدابیر و تضمینات قابل توجهی را در این خصوص در نظر گرفته است که مهم‌ترین آنها موارد زیر است:

۱- در قانون جدید از لحظه‌ای که متهم در جرایم مشهود توسط ضابطین تحت نظر قرار می‌گیرد، می‌تواند تقاضای وکیل کند و ضابطین نیز موظف اند حق داشتن وکیل و ملاقات با او را به متهم تفهیم نمایند و وکیل در پایان ملاقات با متهم می‌تواند ملاحظات کتبی خود را برای درج در پرونده ارائه دهد.

۲- در قانون جدید متهم علاوه بر اینکه حق داشتن وکیل در مرحله دادرسی را دارد، این حق باید به او تفهیم شود و در برخی از جرایم الزاماً باید برای او وکیل تسخیری تعیین شود و چنانچه حق دسترسی به وکیل به متهم تفهیم نشود و یا مقام تحقیق برخلاف قانون مانع از حضور وکیل شود، به عنوان تخلف انتظامی مقام قضایی تلقی می‌گردد.

۳- همچنین وکیل در مرحله دادرسی می‌تواند از نوع اتهام موکل خود و دلایل آن کسب اطلاع کند و در جریان تحقیقات مطالبی را که برای کشف حقیقت و در دفاع از متهم لازم تشخیص می‌دهد اظهار کند.

۴- تعیین وکیل معاضدتی برای بزه دیده (علاوه بر متهم) در مرحله صدور حکم، از نوآوری‌های قانون جدید به حساب می‌آید که در راستای حق دسترسی طرفین دادرسی به وکیل و توجه به رویکرد بزه دیده مدار نظام قضایی پیش‌بینی شده است.

۵- امکان اخذ تصویر مدارک و اوراق پرونده برای متهم و وکیل او علاوه بر حق مطالعه، به سبب اینکه امکان دفاع مؤثرتری را برای وکیل فراهم می‌کند، از نکات مثبت این قانون است.

۶- امکان رسیدگی دادگاه با حضور وکیل متهم و بدون حضور شخص متهم در برخی از جرایم، مشروط به آنکه دادگاه حضور شخص متهم را لازم نداند، از دیگر نوآوری‌های این قانون به حساب می‌آید.

اما با وجود تضمینات فوق، محدودیت‌های زیر همچنان برای وکیل در این قانون باقی

است:



- ۱- در مواردی که پرونده مشتمل بر اسناد و اطلاعات سری و به کلی سری است و رسیدگی به آنها در صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح (دادسرا و دادگاههای نظامی) قرار دارد، وکلای انتخابی طرفین دعوی الزاماً باید از میان وکلای رسمی دادگستری که مورد تأیید سازمان قضایی نیروهای مسلح باشند.
- ۲- اختیارات وکیل در مرحله دادسرا در مواردی که مقام تحقیق دسترسی وکیل به پرونده را با کشف حقیقت منافی بداند و در جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی و همچنین جرائم منافی عفت، محدود شده و مقام تحقیق می‌تواند قرار عدم دسترسی به پرونده را نسبت به متهم وکیل او صادر کند.
- ۳- دادن تصویر از اسناد طبقه بندی شده و اسناد مربوط به تحقیقات جرایم منافی عفت و جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی در مرحله دادگاه به متهم و شاکی و وکلای آنها همچنان در این قانون ممنوع می‌باشد.

فهرست منابع

- ۱- خالقی، علی، نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، تهران، انتشارات شهر دانش، چ اول، ۱۳۹۳.
- ۲- خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری، تهران، انتشارات شهر دانش، چ بیست و سوم، ۱۳۹۲.
- ۳- داوودی گرمارودی، هما، بررسی پویایی و پایایی نئوکلاسیسم باز اندیشیده، رساله دکتری حقوق جزا و ۴- جرم شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۳.
- ۵- ذاقلی، عباس، قاچاق انسان در سیاست جنایی ایران و اسناد بین المللی، چ اول، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۸۹.
- ۶- سلیمی، صادق، جنایات سازمان یافته فراملی، چ دوم، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۹۱.
- ۷- صانعی، پرویز، نقش اجتماعی وکیل دادگستری، مجله وکالت، ش ۱، ۱۳۷۸.
- ۸- کشکولی، مظفر و کشکولی، رسول، مداخله وکیل در تحقیقات مقدماتی در حقوق کیفری ایران، ماهنامه مدرسه حقوق، ش ۶۰، ۱۳۹۰.



- ۹- محبی، محسن و ميرزازاده، ايمان، حق دفاع و داشتن وکيل در اسناد حقوق بشري و حقوق داخلي، ماهنامه مدرسه حقوق، ش ۶۳، ۱۳۹۰.
- ۱۰- معاونت آموزش قوه قضاييه، آشنائي با جرم پولشويي، چ اول، تهران، انتشارت جاودانه، ۱۳۸۷.
- ۱۱- معظمي، شهلا، جرم سازمان يافته و راهکارهاي جهاني مقابله با آن، چ اول، تهران، انتشاراتنشر دادگستر، ۱۳۸۴.
- ۱۲- مقامي، امير، آموزه هايي از وکالت در آيين دادرسي کيفري بين المللي براي وکلای ايران، ماهنامه مدرسه حقوق، ش ۶۳، ۱۳۹۰.
- ۱۳- مهدوي شنقي، ميثم و شيخ اسلامي، عاطفه، جهاني شدن وکالت در دعاوي کيفري؛ ضرورت و چالش هاي پيش رو، فصلنامه تعالي حقوق دادگستري، ش ۲ (دوره جديد)، ۱۳۹۲.
- ۱۴- نجفي ابرندآبادي، علي حسين، تفريرات درس جرم شناسي (جهاني شدن جرم)، دوره کارشناسي ارشد حقوق جزا و جرم شناسي، قم، دانشگاه مفيد، ۱۳۹۱.

